

فلسفهٔ سیاسی
جان استیوارت میل

جان گری

ترجمهٔ
خشایار دیهیمی

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران-۱۳۹۷

فهرست

پیشگفتار مترجم / ۱

سپاسگزاری / ۳

پیشگفتار / ۵

پیشگفتار ویراست دوم / ۹

۱ مشکل و مسئله میل در رساله آزادی / ۱۳

تفسیری سنتی / ۱۳

نظری تازه و بازنگرانه / ۲۷

بحث و استدلال این کتاب / ۳۵

۲ فایده‌گرایی میل / ۴۳

هنر زندگی و فایده همچون اصلی ارزش‌شناختی / ۴۳

اعمال، قواعد، و هنر زندگی / ۵۹

فایده، لذت، و خوشبختی / ۸۲

۳ اصل آزادی / ۹۳

حوزه حفظ منافع خود، صدمه به دیگران و نظریه منافع حیاتی / ۹۳

اصل آزادی در آموزه آزادی / ۱۰۹

فایده، عدالت، و شرایط همکاری اجتماعی در آموزه آزادی / ۱۱۸

- ۴ درک و برداشت میل از خوشبختی و نظریه فردیت / ۱۲۹
فردیت، خوشبختی، و لذت‌های والاتر / ۱۲۹
خودمختاری، اصالت، و دست زدن به انتخاب / ۱۳۵
نیازها و آرمانها در آموزه آزادی / ۱۵۷

۵ کاربردها / ۱۶۳

- پاترنالیسم / ۱۶۳
اخلاق‌گرایی / ۱۷۴
آزادی بیان / ۱۸۵

- ۶ آموزه آزادی میل: ارزیابی مجدد / ۱۹۷
آموزه آزادی و فلسفه عمومی میل / ۱۹۷
آموزه آزادی و علم جامعه / ۲۰۶
آموزه آزادی و لیبرالیسم میل / ۲۱۰
فایده آموزه آزادی / ۲۲۰

بعدالتحریر / ۲۲۹

- نقدهای سنتی بر لیبرالیسم میل: ارزیابی دوباره / ۲۳۳
لیبرالیسم میل و لیبرالیسمهای بعدی / ۲۵۶

ضمیمه / ۲۵۷

- نقد پلورالیستی جان گری بر لیبرالیسم (نوشته جورج کراودر) / ۲۷۵
نقد گری / ۲۷۸
قیاس‌ناپذیری / ۲۸۴
زمینه و بستر / ۲۸۷
صورت‌های زندگی / ۲۹۲
از پلورالیسم به لیبرالیسم؟ / ۲۹۶

یادداشتها / ۳۰۱

نمایه / ۳۲۵

مشکل و مسئلهٔ میل در رسالهٔ آزادی

۱. تفسیری سنتی

طبق نظری سنتی، مشکل و مسئلهٔ میل در رسالهٔ آزادی حل ناشدنی است. میل خود به صراحت می‌گوید که هدفش در این رساله دفاع از یک اصل واحد است که تنظیم‌کننده [حد] مداخله در آزادی فرد برای اندیشه و عمل باشد. او در آن جملهٔ مشهورش می‌نویسد: «[هدف این رساله تثبیت و روشن کردن] یک اصل بسیار ساده است که شایستهٔ حاکمیت مطلق بر اجبارها یا نظارت‌هایی باشد که جامعه بر فرد اعمال می‌کند.»^[۱] توصیفی که او از این اصل می‌کند - اصلی که او می‌خواهد در مقام اصلی «شایستهٔ حاکمیت مطلق» بر تحدید آزادی و مداخلهٔ دولت و جامعه در فعالیتهای فردی از آن دفاع کند - به ما نشان می‌دهد که میل به دنبال اصلی است که بلااستثناء قابل اعمال در همهٔ جوامع باشد - البته بنا به عبارت پایانی جمله‌اش، منهای «جوامع عقب‌مانده‌ای که در آنها نژاد اصلی را می‌توان نابالغ به حساب آورد.»^[۲] میل به هنگام مشخص کردن انواع استدلال‌هایی که در توجیه گردن نهادن به اصل خود اقامه خواهد کرد، اعلام می‌دارد که در این استدلالها جز به ملاحظات فایده‌گرایانه متوسل نخواهد شد: «شایسته است این را نیز بگوییم که من

از هر امتیازی که توسل به اندیشه انتزاعی حق، در مقام چیزی مستقل از فایده، می‌توانست عاید استدلال‌هایم کند چشم می‌پوشم.^[۳] کسانی که معتقد به این نظر سنتی و معمول هستند تردیدی ندارند که کار خطیری که میل در این اظهارات پیشه کرده است چندان ناشی از درک اشتباه و غلط است که عملاً آن را ناساز و ضد و نقیض می‌کند.

جریان نیرومند نقد مخرب و ویرانگر بر نوشته‌های میل در رساله آزادی، که از زمان انتشار «رساله» در ۱۸۵۹ بر دیدگاه و نظر ما نسبت به آن حالت غالب و مسلط داشته است، حاوی عناصر مشترکی است. مجموعه این نقدها بر روی هم بدل به حکم محکومیت قاطعی علیه هدف خطیری می‌شوند که میل در رساله آزادی مد نظر قرار داده است. این نقدها می‌گویند شهودهای اخلاقی میل با پیامدهای ضمنی نظریه اخلاقی‌اش مغایرت دارد، و فقط با فدا کردن این یا آن می‌توانسته است این دو را به تعادل برساند. این نقدها می‌گویند استدلالها و ارزشهایی که او در رساله آزادی بدانها متوسل می‌شود مغایرت لاعلاجی با اخلاق فایده‌گرایانه‌ای دارند که او در رساله و در دیگر نوشته‌هایش به حمایت از آن می‌پردازد، و در نتیجه چاره‌ای نیست جز آنکه رساله آزادی را نیز، مانند خود میل، به دو بخش قسمت کرد. این سنت نقد و تفسیر بیانگر نظر و دیدگاه مرسوم درباره تاریخ فکری انگلستان در قرن نوزدهم است، که در آن جان استیوارت میل گسسته از نظامی فکری در نظر گرفته می‌شود که بتنام و پدر میل نمایندگان اصلی‌اش بودند، و در عین حال خود میل هرگز به طور کامل متوجه این گسست و ارتدادش نشد و بدان اذعان نکرد. بدین ترتیب اندیشه میل طبیعتاً مخلوطی التقاطی از عناصر ناسازگاری در نظر گرفته می‌شود که با هر فشار انتقادی متداوم به‌راحتی از هم می‌پاشد. این نوع نگاه به میل، یعنی او را متفکری التقاطی و بینابینی در نظر گرفتن، به‌گونه‌ای مقاومت‌ناپذیر و وسوسه‌انگیز این فکر را پیش می‌آورد که نمی‌توان انتظار داشت نوشته‌های اخلاقی و سیاسی او آموزه‌ای منسجم و

منطقی به دست دهد، و بی‌حاصلی و بی‌سرانجامی استدلال‌های او، خصوصاً در رساله آزادی، باید به‌ناگزیر در عمل آشکار شود.

خطایی ساده‌لوحانه است اگر بپنداریم که همه منتقدان میل در صدواندی سال گذشته بر سر همه نکات مهم در تفسیر رساله آزادی توافق داشته‌اند. اما عناصر مشترک در تفاسیر آنان را به‌راحتی می‌توان تشخیص داد، و این عناصر بر روی هم نقدی بر این رساله را شکل می‌دهند که آنقدر استوار و مستدل و آنقدر نافذ و مؤثر هست که بتوان آن را دیدگاه معمول و مقبول درباره رساله خواند. در این دیدگاه معمول و مقبول، می‌توان سه پایه و رکن شاخص برای این اعتقاد تمیز داد که کار خطیری که میل در رساله آزادی در پیش گرفته بود از پیش محکوم به شکستی مفتضحانه بود. نخستین استدلال به‌منطق فایده‌گرایی در مقام اخلاقی تک‌اصلی متوسل می‌شود. هرچه باشد، فرض بر این است که فایده‌گرایان با این سؤال به‌پیشواز هر موقعیت عملی می‌روند: از میان همه اعمالی که می‌توانم انجام دهم کدامیک بهترین نتیجه را به بار خواهد آورد؟ خود میل هم می‌گوید: «آیینی که «فایده» یا «اصل» بیشترین خوشبختی» را به‌عنوان پایه اخلاقیاتش می‌پذیرد، بیانگر این اعتقاد است که هر عملی به‌نسبتی که می‌تواند خوشبختی را بیشتر کند درست است، و به‌نسبتی که ممکن است موجب بدبختی شود غلط است.^[۴] کسی که یگانه هدفش به‌بار آوردن بهترین نتیجه است بر این اساس بی‌میل نخواهد بود دستش را در انتخاب مؤثرترین راهکار برای رسیدن به هدف باز بگذارد. به‌همین دلیل او هرگز هیچ اصل و حکم اندرزینی^۱ را که پیشاپیش راه‌گزینش برخی شقوق را در میان تمام شقوق ممکن مسدود می‌کند راهنمای عمل خود قرار نخواهد داد. علی‌الخصوص، او هرگز هیچ اصل و حکم اندرزینی را که ممکن است